

دین افراطی، دین‌گریزی و نواندیشی دینی

محمد محمدی گرگانی

چشم‌انداز، ش ۳۱، اردیبهشت و خرداد ۸۴

چکیده: آنچه در این مقاله می‌خوانیم حاصل چند گفت‌وگو و نیز یک مقاله و یک تحلیل از اوضاع انتخابات اخیر آمریکا است. گفت‌وگوی هانتینگتون و گیدنز از یک سو، پیرامون نقش دین در آمریکا و دینی‌سازی جهان و نیز گفت‌وگوی الکساندر ادلر جغرافیدان سیاسی آمریکا و نویسنده کتاب «اودیسه آمریکا» پیرامون جغرافیای سیاسی آمریکا و سورمان اندیشمند فرانسوی، نویسنده کتاب «محصول آمریکا» که به کنکاش پیرامون جامعه آمریکا می‌پردازد و همچنین حاصل مقاله بحث‌انگیز توماس فریدمن تحت عنوان «ملت زیر سایه خدا» که در نیویورک تایمز در تاریخ ۴ نوامبر ۲۰۰۳ به چاپ رسید و نیز حاصل تحلیل رادیو بی‌بی‌سی در تاریخ ۱۴/۱۲/۸۴ پیش از انتخابات ۲۰۰۴ آمریکا در این مقاله آمده است. در مجموع، این مقاله فرآیند بازگشت به دین و معنویت را در جهان معاصر بویژه آمریکا بیان می‌کند.

الف - هانتینگتون: ۱. گفت‌وگوی هانتینگتون و گیدنز

- آمریکا کشوری است سخت‌پای‌بند به دین و کشورهای اروپایی سکولارند. مستعمره‌های آمریکایی در سده‌های هفدهم و هجدهم بیشتر به دلایل دینی برپا شدند. آمریکایی‌ها هنوز یکی از دینی‌ترین ملت‌های جهان هستند. مذهب و ناسیونالیسم در سطح جهان و دوشادوش هم‌اند، افراد مذهبی‌تر به ناسیونالیسم گرایش بیشتری دارند؛ آمریکایی‌ها هم عموماً به خدا و کشورشان سخت معتقدند. در مجموع، پای‌بندی به دین و کشور، در میان اروپاییان کمتر است. دین آمریکاییان پروتستان دگراندیش (معارضه‌جو) است که آثار ژرف اخلاقی بر

بازتاب اندیشه ۶۷
دین افراطی،
دین‌گریزی و
نواندیشی
دینی

فرهنگ این کشور داشته و آمریکاییان بیش از اروپاییان مایل اند مسایل را با مفاهیم خیر و شر تعریف کنند.

- روند بازگشت به دین امروزه چشمگیر است (به استثنای اروپای شرقی). دلایل افزایش بازگشت به دین عبارتند از:

۱. کشورها هویت ملی خود را با دین همبسته می‌بینند و مشروعیت خود را از دین می‌گیرند.

۲. دین در حل و فصل درگیری‌های گروهی نقش مهمی ایفا می‌کند. امروزه آمریکا دینی‌تر از بیست تا سی سال پیش است.

۳. دین در آمریکا امروزه خیلی سیاسی شده است (نمود آن در کابینه جورج بوش کاملاً آشکار است).

۴. دست‌کم در جهان اسلام و در کشورهایی که انتخابات برگزار شده و می‌شود حتی در کشوری مثل فرانسه یا پاکستان و یا... بنیادگراها پیروز شده و می‌شوند. در عراق هم اگر انتخابات برگزار شود، این داستان تکرار خواهد شد. (و این چنین هم شد).
ب- گیدنز:

در آمریکا تا حد زیادی دین‌زدایی درون کلیسایی وجود دارد؛ یعنی دین در آمریکا همواره نقشی متفاوت از اروپا داشته است. تفاوت اروپا و آمریکا در این است که دین در آمریکا سیاسی شده است و سیاست‌زدگی ویژگی دین آمریکایی است.

۲. گفت‌وگوی آدلر و سورمان

الف - سورمان:

- جامعه آمریکا از اندیشه لیبرال‌ها و محافظه‌کارانی حمایت می‌کند که هر دو تفکر، حامی سرمایه‌داری هستند و سوسیالیسم در نظرشان نوعی اندیشه بولهوسانه است. با این تفاوت که محافظه‌کاران آرای خود را از طریق برداشتی مذهبی از جامعه به دست می‌آورند و دموکرات‌ها دیدگاهی لائیک دارند.

- بوش نماینده محافظه‌کاران آمریکایی است که دیدگاهی مذهبی و حتی عرفانی از ملت دارند. درحالی‌که، به جان‌کری نماینده دموکرات‌ها حامیانی از مجموعه‌های فدرالی، اقلیت‌های قومی، طرفداران لائیسیته، مخالفان سرمایه‌داری و صلح‌طلبان را به دور خود دارد.

- درگیری و قطب‌بندی‌های سیاسی میان حزب دموکرات و جمهوری خواه، ناشی از قطب‌بندی آداب و رسوم اجتماعی است و در واقع، جنگ بین دو فرهنگ است.
- از نظر بیشتر آمریکایی‌ها، مأموریت این کشور جهانی کردن مردم‌سالاری است که موجب استقرار صلح در جهان و ریشه کن کردن ظلم و استبداد است. اگر صدور مردم‌سالاری همراه با صدور سرمایه‌داری باشد، از نظر آمریکایی، هیچ اشکالی ندارد.
- امروز مثل دوران جفرسون این اعتقاد وجود دارد که اگر همه جوامع بر اصول دموکراسی لیبرال استقرار یابند، جهان به صلح دست خواهد یافت، آن‌گاه جنگ و تبلیغ مذهبی و سایلی پیش نیستند.

- امروزه مذهبی که بیش از همه در جهان در حال پیشروی است، اسلام نیست بلکه «دین جدید آمریکایی» است. دین جدید آمریکایی، بیشتر از عهد عتیق الهام می‌گیرد تا عهد جدید. در این دین خداوند در دوران قلب پیروان خود جای دارد، نه مثل یهودیت یا مسیحیت اروپایی در بالای سر یا ذهن آنان. طرفداران این دین جدید پاپتیسست‌ها، پنتگوتیست‌ها و مورتن‌ها در همه جا از جمله آفریقا و کشورهای کمونیستی و چین حضور فعال دارند و در آمریکای لاتین کلیساهای انجیلی جایگزین کلیسای کاتولیک می‌شوند.

ب- آدلر:

اگر نظامیان مصری جایگزین اخوان المسلمین (اسلام‌گرا) شوند و قدرت را در دست گیرند بهتر است. همچنانکه اگر شاهزاده‌های خانواده سلطنتی سعودی حتی کسانی که با القاعده تماس دارند در قدرت باقی بمانند، بهتر است از اینکه احزاب اسلام‌گرا مشابه کسانی که در پاکستان فعالیت دارند، به قدرت برسند. بنابراین، حفظ دیکتاتوری‌های روش بین در مصر و عربستان بهتر از استقرار مردم‌سالاری در این کشورهاست که بلافاصله هرج و مرج و خشونت به دنبال دارد!

۳. آمریکای دیگر

فریدمن: نتیجه انتخابات اخیر آمریکا (انتخاب جورج بوش) را کسانی رقم زدند که سیاست مطلوبشان با من متفاوت است و به دنبال ایجاد آمریکایی دیگر هستند.

پس از انتخابات این پرسش‌ها برای من مطرح شد:

۱. آیا اینجا (آمریکا) کشوری است که مرز تمایز میان حکومت و کلیسا باید دست

نخورده باقی بماند؟

بازتاب اندیشه ۶۷

دین افراطی،
دین‌گریزی و
نواندیشی
دینی

۲. آیا اینجا کشوری است که مذهب علم را لگدمال نمی‌کند؟

۳. آیا اینجا کشوری است که رئیس جمهور آن باید از تمام نیروهای اخلاقی خویش برای متحد ساختن ما استفاده کند؟

در پاسخ باید گفت:

- به دلیل خالی بودن تعداد زیادی از کرسی‌های دیوان عالی کشور، که باید رئیس جمهور انتخاب کند، و تبلیغات شدید بوش و طرفدارانش برای وضع قوانین درباره مسائل اجتماعی و گسترش دامنه مذهب و همچنین تفاهم میان بوش و بنیادگرایان مسیحی مبنی بر اینکه در ازای رأی آنان به بوش، کرسی‌های دیوان عالی کشور به ایشان واگذار خواهد شد تا مبادا قوانین علیه مذهب آنان وضع شود، اوضاع و شرایط جدید پدید آمده است.

- اشکال من به این گروه به نحوه استفاده آنان از انرژی مذهبی برای تشویق «تفرقه»، «نابرداری» و «عدم مدارا» در داخل و خارج آمریکا است. من برای این انرژی مذهبی احترام قائل هستم ولی معتقدم که نیروهای دموکرات هم باید راهی برای استفاده از آن در راه اهداف متفاوت خویش پیدا کنند.

- تازمانی که دموکرات‌ها نیروی مذهب و معنویت را به جمهوری خواهان واگذار نکنند - چون اکثریت بادینداران است و آنها رئیس جمهور مذهبی می‌خواهند - اوضاع فعلی تغییر نمی‌کند. و چون دموکرات‌ها انحصار تأمین منابع اخلاقی و معنوی سیاست آمریکا را به جمهوری خواهان واگذار کرده‌اند، در صورتی که آنان کاندیداهایی را معرفی کنند که قادر به تحریک عواطف اخلاقی و روحانی مردم باشند، موفق خواهند شد. بنابراین، تنها راه موفقیت دموکرات‌ها در انتخابات آتی پیش گرفتن یک راهبرد درون دینی نوین است.

۴. جمعیت بی‌خدایان در آمریکا

راديو بي بي سي:

در نظر خواهی پیش از انتخابات نوامبر ۲۰۰۴ در آمریکا ۷۵ درصد مردم دوست داشتند رئیس جمهورشان عمیقاً مذهبی باشد. پس از انتخابات این اتفاق افتاد! هر چند دینداران نقش زیادی در آمریکا دارند، اما جمعیت بی‌خدایان در آمریکا در حال افزایش است بطوری که طی این مدت (پس از انتخابات اخیر) به سه برابر افزایش یافته است. این گروه به دنبال راه‌اندازی راديو و تلویزیون خصوصی هستند.

اعتراض بی‌خدایان به کارهای بوش و همفکرانش این است که چرا آنها از بودجه فدرال به گردهمایی مذهبی کمک نموده و فقط افراد معتقد به مذهب را استخدام می‌کنند!

۵. چه باید کرد؟

در ورای افراطی‌گری مذهبی و دین‌گریزی راه‌سومی هم وجود دارد و آن اینکه در همه جای دنیا با دین‌داری افراطی، بی‌ترمز، نابردبار و مخالف علم و آزادی و عدالت برخورد نقادانه و تعالی بخش کنیم، و از سوی دیگر، در برابر واکنش دین‌گریزی افراطی مقاومت و در نتیجه، راه را برای وفاق ملی، منطقه‌ای و جهانی هموار سازیم.

این راه حل برای جامعه آمریکاست که از افراط و تفریط مذهبی رنج می‌برد و به خاطر عملکرد دین‌دارانی که با استفاده ابزاری از دین به نام خدا جنگ صلیبی به راه می‌اندازند و زندان ابوغریب درست می‌کنند شرایط روند گریز از خدا و دین در جامعه آمریکا پدید می‌آید و شمار بی‌خدایان افزایش می‌یابد. این دین‌داران با جنگ کاذب ایدئولوژیکی در درون جامعه آمریکا و قطب‌بندی‌های سیاسی، و نیز با هدف سيطرة بر منابع عظیم نفتی جنگ عراق و خلیج فارس به پا می‌کنند و دائماً شعله‌های جنگ را در سراسر جهان شعله‌ور نگه می‌دارند.

همچنین این راه حل برای جامعه ایران کارایی دارد که دارای قطب‌بندی کاذب جنگ سرد است، کسانی که از یک سو، بر طبل سکولاریسم کوبیده و قلمرو دین را از سیاست جدا می‌انگارند و از دیگر سو کسانی هستند که از دین استفاده ابزاری می‌کنند.

● اشاره

۱. در اینکه این مقاله به بیان این حقیقت پرداخته که امروزه عصر بازگشت به دین است و معنویت‌سازی و جهانی‌سازی دین، واقعیت انکارناپذیر عصر امروز ماست، نقطه قوت آن محسوب می‌شود.

۲. بیان استفاده ابزاری دولت‌مردان آمریکایی از دین و اعمال رفتارهای جنایت‌آمیز و ارتکاب جنایات علیه بشریت در تحت لوای دین نیز از نقاط قوت این مقاله محسوب می‌گردد.

۳. به نظر می‌رسد، جناب هانتینگتون در مقام بیان میزان دین‌داری جامعه آمریکا در مقابل جامعه اروپا است، لذا به زعم ایشان، جامعه آمریکا سخت پایبند دین است (در واقع استفاده ابزاری بیش‌تری از سوی دولت‌مردان آمریکایی نسبت به دولت‌مردان اروپایی از دین می‌شود) و این امر به معنی این نیست که در کل جهان، آمریکا متدین‌ترین کشور محسوب می‌شود!

۴. ارتکاب جنایات علیه بشریت و راه‌اندازی جنگ‌ها... در لوای دین، موجب دین‌گریزی بسیاری از آمریکاییان شده است، به گونه‌ای که جامعه بی‌خدایان در آمریکا در حال

بازتاب اندیشه ۶۷

۵۸

دین افراطی،
دین‌گریزی و
نواندیشی
دینی

افزایش است؛ این سخن هم واقعیتی است که در این مقاله بیان شده است. اصولاً افراط و تفریط در هر چیزی امری ناپسند است.

۵. واقعیت دیگری که بطور ضمنی در این مقاله بیان شده این است که امروز جوامع از خدای ذهنی، بالاسر، آموروناهی گریزانند و به خدای نزدیک و صمیمی روی آورده‌اند؛ خدای انبیايي که از رگ گردن به آدمیان نزدیک‌تر است.

۶. واقعیت دیگری که این مقاله بدان اشاره می‌کند این است که همان گونه که در جنگ سرد میان آمریکا و شوروی، توهم جنگ بی‌خدایی و متدینان بود و بدین جهت تنور این جنگ همواره گرم بود، امروزه هم به نوعی دیگر، جنگ سرد مذهبی و لامذهبی در جناح‌بندی‌های سیاسی در آمریکا نمود پیدا کرده و جامعه آمریکا را به دو طیف مذهبی و لامذهبی تبدیل کرده و تنور این آتش همچنان گرم است!

۷. راه برون رفت از این معضل هم برای جامعه آمریکا مفید است و هم برای سایر جوامعی که نقش دین در آن پر رنگ است. بازگشت به دین و استفاده ابزاری نکردن از دین و روی آوردن به سوی معنویت و نواندیشی دینی تنها راه حل معضل کنونی جوامع بشری است.

۸. به نظر می‌رسد، در این مقاله به شکل افراط گونه به دین‌داری مردم آمریکا پرداخته شده است که واقعیت مطلب غیر از این است. اما اگر مراد بهره‌گیری دولت مردان آمریکا از دین برای رسیدن به مقاصد سیاسی خود باشد، امری مقبول است. و شاید هم این مقاله در مقام مقایسه جامعه فعلی آمریکا در مقایسه با گذشته آن است که امروزه نسبت به گذشته این جامعه دینی‌تر شده است یا دولت مردان آن از دین استفاده ابزاری بیشتری می‌کنند. این سخن نیز مورد پذیرش است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی